

حرف درشت در راه است

- پوریا عالمی:** ما از دیروز که حسن روحانی را
رد، حسن آن بابایی را داریم که مشعل المپیک را
دیده و از زیر آتش و وسط استخر و بین باد و توفان رد
ده و رسانده و داده دست فرج‌عبدی را تا حالا واقعا؟
وضعیت این آدم فکر کردید واقعا باید چکار کرد؟
من تصمیم‌گیری‌های آن‌ها را ندارم، یعنی من خوشحالی
که مشعل را از گردن آن همه توفان و بوران در امان
داشتیم، مهم‌ها من الان مانندم چکار کنیم تا الان سفتا
پسین جمهور است که داریم کلمات را پشت سرم
بفری می‌کنیم و طنز می‌نویسیم. از ۷۸ توی لقا و
مشغری و نوروز و ولایت خان که چندسال است
می‌شنوی «شرقی» می‌نویسم: چقدر طبیعی است که آن
ایل را شما بداتان نیست چون آن موقع من هنوز دُم
نیاروده بودم و اسمم به گوش کسی نرسیده بود.
داد، هم دم دارووم هم سبیل و معلوم نیست دم،
سبیل یا کیفیت آثارم باعث شد مردم کار را بخوانند.
یلاصه کردی به مشعل المپیک. کمر روزانه نوشتن
یک جایی به بعد رد ۸۰ درصد موضوع‌ها به هر
زمر می‌افتد. یک جایی شما به هر قیمت ششوی
ست می‌کنی تا کارت دیده شود، از یک جایی دوست
داری به هر قیمت دیده بشوی، یک باق فقط روی
الوک مسئولان قفاهه می‌سازی و مخاطب بسیار
جمع می‌کنی، یک با تصمیم می‌گیری جای حرف
نشین، عملکرد کلی افراد را رد ستون طنزت بنویسی.
مهم کار را سخت و قاطع را خاص‌تر می‌کنی.
الا هم من این کلمات را می‌نویسم که بگویم حتما
و اون‌ها انگیزه بیشتری برای نوشتن طنز روزانه
زند. من چی؟ من که کاری جز نوشتن بلد نیستم.
دا تصمیم دارم شیوه این ستون را عوض کنم. از فردا
اراش‌هایی می‌دهم از چیزی که در جامعه می‌بینم.
یکم این است از همه به جایایی به خبرهای روزانه
نمی‌نویسم. اما این بار اصل قضیه خبر نیست، خود دشمن
می‌خواهم درباره زندگی دوروبرم بنویسم.
براره آدم‌ها، عابران، راننده‌ها، شهرها، جاه‌کافه‌ها و
مشوها و دست‌ها و دنیای آدم‌های دوروبرم. از فردا
مهم کار را می‌کنم؛ حکایت‌هایی ریزه‌میزه از زندگی
مزمزم. ستون را هم می‌گذاریم «حرف درشت»
که معلوم نشود داریم حرف‌های ریزه‌میزی می‌زنیم
نظر برعکس داریم حرف‌های مهم و درشتی می‌زنیم.
قول بیدل دهلوی که گفت: «حرف درشت» ما اثر
ود «عالمی» ست / گوهر دهد به جای شرر سنگان
که همان‌طور که می‌بینید بیدل دهلوی صد‌ها سال
شش پیش‌بینی کرده و گفته بوده که یک روز عالمی
«حرف درشت» خواهد زد. تا فردا و اولین
رف درشت.

روزنامه

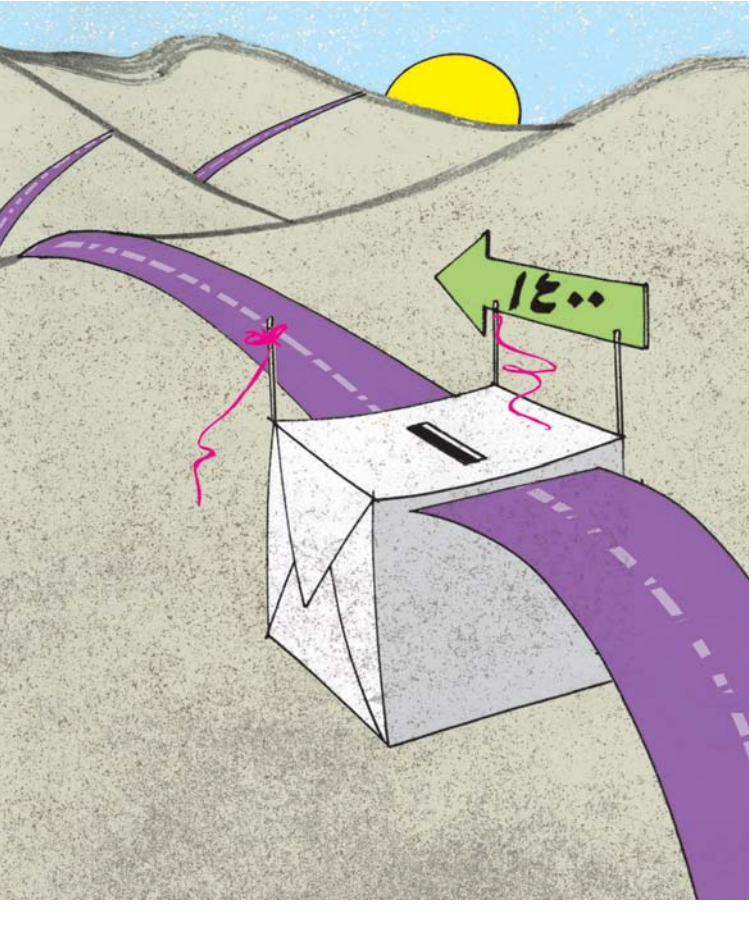
دوشنبه ۱ خرداد ۱۳۹۶ • ۲۵ شعبان ۱۴۳۸ • ۲۲ می ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۷۰ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۸ • اذان صبح فردا ۴:۱۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۴

روزنامہ فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی معتضدیان (دیان)
motazedian.mehdi@yahoo.com



پرفہم پارس



فروش ویژه به تعداد محدود

- تحویل فوری کلیه خودروهای وارداتی ۲۰۱۷
- امکان خرید اقساطی (با تسهیلات بانکی)
- تخفیف ویژه خرید نقدی



برای مشاوره و کسب اطلاعات بیشتر با کارشناسان فروش تماس بگیرید.

شعبه دولت: خیابان شریعتی، خیابان دولت، بعد از چهارراه قنات، پلاک ۳۳

شعبه سعادت آباد: سعادت آباد، نز سیده به میدان کاج، بین خیابان هجدهم و شانزدهم، پلاک ۵۵

شعبه اسفندیار: خیابان ولیعصر، تقاطع نیاش و اسفندیار، پلاک ۲۵۶۵ (با پارکینگ اختصاصی)

شعبه کاشانی: بلوار کاشانی، روبروی پمپ بنزین، پلاک ۱۶۰

دفتر خدمات رفاهی پس از فروش: بلوار کاشانی، ساختمان گلزار، طبقه ۱

پذیرش نمایندگی فعال:

مطالبات

آقای روحانی، مطالبات مردم را از دهان جامعه بشنوید



غلامعباس توسلی

و اولویت‌های دوازدهمین دوره ریاست‌جمهوری باید بر مبنای ایجاد فضای بروز چنین نوآوری‌هایی فراهم شود.

جامعه‌ای که خواهان امتداد دولت تدبیر و امید بوده، بیش از هر چیز خود چالش‌هایی دارد که رصداً حل آنها از اصلی‌ترین مطالبات پیش‌رو خواهد بود. نگاهی به شور و نشاط انتخاباتی حکایت از آن دارد که این مطالبات خصوصاً در حوزه اجتماعی بیشتر به مسائل زنان و جوانان اختصاص دارد. از سویی این دو گروه در مشور حقوق شهروندی که از سوی دولت تهیه و ابلاغ شده مورد توجه قرار گرفته‌اند از سویی دیگر هنوز با چالش‌هایی در زمینه عدالت و برابری و استفاده مساوی از امکانات و منابع مواجه‌اند و طبعاً با امتداد دولت، می‌خواهند بداندند که آیا می‌توانند شاهد اجرایی‌شدن این سند کشور و احقاق حقوق خود باشند یا نه. در حوزه جوانان، «مسائل اعتقادی» یکی از چالش‌های مهم است که به اعتقاد من، نشان از گره‌خوردگی مسائل اجتماعی با بافت فرهنگی و حوزه فرهنگ در کشور دارد. باید دید که دستگاه‌های مسئول و مروجان ایده‌های فرافرهنگی در این زمینه چه تمهیدی کرده‌اند. فارغ از زبان ما - کارشناسان - جامعه نیز دهانی برای

بازگرددن مشکلات خود دارد که صرفاً معطوف به مسائل اجتماعی نیست و اتفاقاً بیشتر رنگ و بوی اقتصادی دارد. مردمی که با چنان شور و امیدی در انتخابات شرکت کردند، می‌خواهند بداند که سرنوشت اقتصادی آنها در میان برنامه‌های دولت چه خواهد شد. به اعتقاد من در حوزه اقتصادی باید علاوه بر فراهم‌کردن امکانات حل مسئله، ابزارهای اجرایی آن نیز در دست نهادی قرار بگیرد که در این زمینه از سوی مردم مسئول شناخته می‌شود. شاید به این شکل بتوان در معیشت مردم شاهد حصول بهبودی بود.

با این همه حالا که به اولویت اقتصادی پرداختیم، نباید از کنار بحران بی‌کاری آسان بی‌توجه عبور کنیم. بی‌کاری یکی از کلیدی‌ترین آسیب‌های جامعه ماست که اتفاقاً در انتخابات دستاویز برای جمع‌آوری رای بدل شد، یک بحران همگانی که می‌تواند آثار خود را به حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز بکشد.

این دو مطالبه اگر از سوی دولت با پاسخ‌هایی عملی و اجرایی همراه باشند، مردم اصلی‌ترین پشتوانه‌ای کار قوه مجریه در چهار سال پیش‌رو باقی خواهند ماند.

اتفاق

فهرست‌های جعلی در انتخابات شورا



نیره توکلی
جامعه‌شناس

- نخست اینکه رسانه متمرکزی برای معرفی نامزدهای شورای شهر وجود نداشت. برنامه‌های رسانه ملی هم بیشتر بر انتخابات ریاست جمهوری متمرکز بود.
- دوم، این دو انتخابات مهم با یکدیگر جمع شده بود و اهمیت انتخابات شورای راهبردها در سایه انتخابات ریاست جمهوری کمرنگ شد.
- سوم، در انتخابات شوراهای شهر تهران سال ۹۶، اتفاق تقریباً بی‌سابقه و برخیزنده‌ای افتاد: نخستین‌بار بود که اشخاص بسیار صاحب صلاحیتی از میان جامعه دانشگاهیان و محیط رزستیان و کنشگران جامعه مدنی و فعالان زنان برای این انتخابات تأیید صلاحیت شدند؛ لایا ارشد، دکتر حسین راغفر، ترانه پلدا و... این اصلاحتی به نفع افرادی که با وجود شایستگی، تاکنون از شورای شهر بی‌تأثیر بودند، به نفع شهروندان استفاده بهینه نشده است. اما انتخاب شورای شهرهای متفاوت و مطلوب و سالم را در دل‌ها زنده کرد، اما در غیاب احزاب سیاسی متنوع و تشکیلاتی و سنسفی و سیاسی نیرومند برای جامعه مدنی، بحث شناخته‌شدن نامزدهای مستقل بسیار اندک است. از بحث بد، اصلاح طلبان نیز عزمی جدی برای واردکردن استعداد کم‌تعداد از این نامزدها را در فهرست‌های خود نداشتند. این باعث شد که بسیاری از طرفداران این چهره‌های شایسته لزوم ایجاد تغییرات را در فهرست امید بین کنند. همین باعث شد که نسخه‌های متعددی در میان مردم سر به‌دست چرخد و همه را گنج کند و فریبکاران نیز فرصت را مناسب بداند و با جعل نام فهرست امید، تغییراتی را در مسیر منافع شخصی و جناحی‌شان ایجاد کنند.
- همان فهرست نه‌چندان فراگیر امید نیز دیر تهیه شد و فرصت معرفی و تبلیغات چندانی برای آن وجود نداشت. امیدوارم این درس‌های آینده، هر چند که دیروز هم برای پایان دادن به روند نابودی تهران دیر بود، آنچه تهران در سال‌ها از دست داد، هرگز جبران نخواهد شد.

زیر آسمان

از ربنا تا بغغو



احمد طالبی نژاد


احمد طالبی‌نژاد

وقتی در کوران مذاکرات موسوم به برجام، دکتر طریف، وزیر خارجه، در پاسخ به لحن تهدیدآمیزی یکی از طرف‌های مذاکره گفت: «هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید»، مردم هایش را کیسه کرد و دست از تهدید برداشت. حال اگر به‌جای واژه تهدید بگذاریم «تحقیق»، باید خطاب به برخی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری بگوییم: «هرگز یک ایرانی را تحقیر نکنید» وگرنه نتیجه این شود آن چیزی که در ۲۹ اردیبهشت ما شاهدش بودیم و بودید. دیدید که حتی مردمان ساکن در محروم‌ترین مناطق این سرزمین هم به آن‌ها وعده پول و امکانات مادی دیگر داده شده بود، این وعده‌های پوچ را توهین به خود تلقی کرده، به کسی رأی دادند که اتفاقاً مخالف این خاصه‌خرجی‌ها بود. چرایش نیاز به تحلیل دقیق جامعه‌شناسانه دارد که کار من نیست، ولی همین‌قدر می‌فهمم که مردم ایران از اینکه بیچاره، مستضعف و حتی فقیر قلمداد شوند، متنفرند. درحالی‌که ممکن است واقعاً فقیر و حتی فقیرتر باشند؛ اما از اینکه تکه تکه کوچکی از سرمایه‌هایشان تبدیل به صدقه شده، دور سر بچرخاند و بگذاردن دست‌نشان، نفرت دارند. همه این تحقیر از همین یک نکته ناشی نمی‌شود؛ به گمان من مشاوران آقای رئیسی، در زمینه تبلیغاتی بیشترین طعمه را به او زدند. آخر مردم ایران به‌ویژه جوانان (که به برخی از آنها دور شما هم حلقه زده بودند)، آن‌قدر عقل، شعور و سلیقه فرهنگی و هنری دارند که زیر بیرق موجودی به نام آتو جمع نشوند که پیشینه‌اش را این را می‌دانند و این را هم می‌دانند که این اقار امروز ریزه و منقاع برخی‌ها شده، به دلیل تعهداتی است که داده؛ وگرنه بایدش که به خارج مرزها برسد، باز هم بیغیو سر می‌دهد و به ریش همه‌مان می‌خندد. در کجای این موجود، هنر دیده می‌شود؟ کدام شیر پاک خورده‌ای باعث شد شما با وجود اعتقاد محال، در کنار کسی بنشینید که وجود جسمانی‌اش هم با معیارهای خودتان اصلاً اشکال است. از خاک‌وبی‌های روی بدش که حاکی از خودآزاری است و تا آنجا که می‌دانم خلاف برخی اصول دینی است، تا سر و زلفش که اگر متعلق به کس دیگری بود، در خیابان صدقه‌فروشی از گشت ارشاد تذکر می‌گرفت. آن وقت چنین فردی در کنار یک روحانی می‌نشیند و بعد هم مدعی می‌شود اگر رینا را بخواند، مردم رینا جوادانه استاد شجریان را فراموش می‌کنند. البته این روش در جهان غرب سابقه‌ای دیرینه دارد، به‌ویژه در آمریکا؛ با این تفاوت که آنجا معمولاً از هنرمندانی به‌یمن‌خوان عاده تبلیغاتی می‌گیرند که سرشان به تشنه‌ی بیازد و کارنامه‌ای داشته باشند که بتوان از آن دفاع کرد؛ بادم هست در دهه ۱۳۴۰ دوستی که تهیه‌کننده سینما بود، به شوخی به یکی از مقامات سینمایی گفته بود من حاضر دربار نماز فیلمی بسازم که مردم برای دیدنش در مقابل سینماها صفا‌های کیلومتری ببینند، مشروط به اینکه این نماز را فلان خواننده بخواند. حالا حاکایت این آقااست که شکل‌وشمایل ظاهری و رفتارش نمی‌دانم آن عکسش را دیده‌ایم که چهارصدوپنجاه دلار از آن درختی بالا می‌رود – هم نشان می‌دهد درگ درستی از زندگی ندارد و می‌خواهم بگویم به هر چیزی شبیه است جز یک هنرمند. باز یادم هست سال ۱۳۸۸ هم اتفاق مشابهی افتاد؛ یکی از مثلاً خوانندگان موسیقی عامه‌پسند مدرن را به نام ساسی‌مانکن (تور خاد) به اسم توجه کنید، آواز کردند ترانه‌ای هم به نام ساسی‌مانکن اتفاقاً او هم روحانی بود. بخواند. آواز ساسی‌مانکن می‌سازد؟ یعنی سلیقه مردم ایران این‌قدر سطحی است؟ همین‌جا بگویم که آن انتخاب، سلیقه به‌روز افخمی و زنده‌باد علی معلم بود که مسئولیت تبلیغات ستاد آن نامزد را برعهده داشتند. نمی‌دانم این تحفه آخری را هم افخمی توی کاسه آقای رئیسی گذاشته یا نه. بعید هم نیست. به‌هرحال مردم نه توهمین و تحقیری را که از این ناحیه نسبت به آنها روا شد، فراموش می‌کنند و نه آن موسیقی بزگرتی که یکی از مثلاً فیلم‌سازان ارشد نسبت به مردم جادانه و توهین برخشیدن مستقل هنر معاصر ایران، استاد شجریان، روا داشت. آن آقا هم که اتفاقاً کار سینمایی‌اش را از بخش سانسور در دوران آقای میرسلیم آغاز کرد و به مدد رانت‌هایی که از این رهگذر نصیبش شد، به سلک فیلم‌سازان ارزشی پیوست، تلافی برخورد‌های منطقی مردم ایران با آثار برجسته‌اش از جمله قلاده‌های طلا را با چنین روش‌های توهین‌آمیزی درمی‌آورد. می‌ماند این نکته که آیا واقعاً در ستاد آقای رئیسی، هیچ‌کس نبود که بداند این آقا یکبود سرتیرونی که بیماری است و صفت دائمی کسی نیست که

استاد بزرگ موسیقی ایران زمین را «طرائی» قلمداد کنی؟

پیشنهادهای

جنگ بانا برباری

- بیل گیتس در نویترتش لینک مقاله‌ای را منتشر کرد که در آن نوشته است: «اگر جِوان بودم رشته‌های هوش مصنوعی، انرژی و علوم زیستی را انتخاب می‌کردم؛ «رشته‌هایی امیدبخش». متخصصان فناوری و اقتصاد همگی توافق دارند در ۲۰ سال آینده شرکت‌های بزرگ جهان با تغییرات قابل توجهی روبه‌رو می‌شوند. مؤسسات تجاری